



آمریکا گسترش حجاب را نقطه آغاز صعود اسلام‌گرایان می‌داند

وزیر امور خارجه آمریکا به درستی می‌داند که گسترش حجاب همچون پله‌ای است برای صعود اسلام‌گرایان سنتی در منطقه و مسیری که به صعود آنها از پله قدرت منجر می‌شود.

وزیر امور خارجه آمریکا به درستی می‌داند که گسترش حجاب همچون پله‌ای است برای صعود اسلام‌گرایان سنتی در منطقه و مسیری که به صعود آنها از پله قدرت منجر می‌شود.

به گزارش فارس، "جفری گلدبرگ"، روزنامه‌نگار آمریکایی مجله "آتلانتیک" به عنوان کارشناس مسائل خاورمیانه سال‌ها است که در نشریات معتبری همچون "نیویورک تایمز" به نگارش مقاله می‌پردازد و تحلیل‌های وی از سوی مراجع مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد.

وی در جدیدترین مقاله خود با تحلیل آخرین شرایط انقلاب‌های منطقه به پیش‌بینی تبعات و تأثیرات خیزش‌های انقلاب مردم منطقه می‌پردازد.

گلدبرگ در ادامه مقاله خود که در نشریه آتلانتیک منتشر شده است، می‌نویسد:

* "سلفیان" در کمین انقلاب تونس

همان روز چند ساعت بعد، با یکی از آشنایان تونس‌ام صحبت می‌کردم که خبر ایجاد حزب محلی "سلفیه" را داد. خیلی تعجب کردم. "سلفیه" تارک‌دنایی قرون وسطایی هستند- آنها از برادران مسلمانان خیلی افراطی‌ترند، گرچه خود مسلمانان هم نمونه میانه‌روی نیستند. (مثلاً روحانیون برجسته وهابی‌های عربستان سعودی "سلفی" هستند.) دیدار از حزب سلفیه در تونس به ظاهر سکولار مثل یافتن یکی از دوستان از مهمانی عصرانه در شورای شهر برکلی است. ولی از این دست اوضاع آشفته دیگر دارد در خاورمیانه عادی می‌شود.

در اولین روزهای شورش اعراب، اوپاما و دولتش، که هم‌زمان درگیر جنگ‌های دیگری بودند، در تلاش برای روشن‌نگری اوضاع بودند. در زمانی که سیاست‌سازان در حال دست‌وپنجه نرم کردن با آنچه اوپاما آن را غیرمستقیم عدم انسجامی خشمگینانه از اوضاع کنونی نامید، دولت باید شرایط را طوری فراهم کند که باعث به حاشیه کشیده شدن احزاب ضدتجدد، ضدغربی، و اسلام‌گرا شود و در عین حال نباید آشکار شود که هدف واقعی‌شان این بوده است. مدام باید تصمیم بگیرد که کدام دولت‌ها در خاورمیانه شایستگی حمایت آمریکا را دارند و کدام دولت‌ها را باید رها کند.

این سؤال ما را به تضادی مهم و اصلی در این دوران می‌کشد: در همان زمانی که آمریکا به دنبال تغییرات پایدار و چشمگیر دموکراتیک در برخی از جمهوری‌های خاورمیانه است، خود صدها سال بعد از آزادی‌اش از چنگال پادشاهی خودکامه، در تجارتی مستبدانه گرفتار شده که مانع پادشاهان، امرا، و شیوخی شده است که گرچه ممکن است رشوه‌خوارانی چون بن‌علی، قذافی، و مبارک باشند، ولی دارای نفتی هستند که غرب نیاز دارد، و توازنی را با بزرگترین تهدید آمریکا در خاورمیانه، یعنی جمهوری اسلامی ایران برقرار می‌کنند.

* مردم در خاورمیانه از آمریکا فاصله می‌گیرند

ایجاد دکترین همه‌جانبه‌ای که برای شرایط فعلی مناسب باشد تقریباً ناممکن است، خصوصاً در طی بحرانی که خواستار تواضع در تحلیل، آرامش عقیدتی، و تحمل تناقضات از سوی سیاست‌سازان آمریکایی است. تواضع در تحلیل لازم است چرا که نتایج انقلاب‌های خاورمیانه هنوز قابل تشخیص نیست، و چون هنوز روشن نشده است که حکومت دیکتاتوری واقعاً رو به زوال می‌رود یا نه.

آرامش عقیدتی که شیوه‌ای خنثی است را می‌توان دورویی نامید، و وجودش ضروری است زیرا درست است که اوپاما با وجود تعجب بسیاری خود را لیبرالی مداخله‌جو نشان داد و نه واقع‌گرایی بی‌طرف، این هم درست است که آمریکا منافع ثابت و حیاتی‌اش را در خاورمیانه حفظ می‌کند، منفعی که همین الان آمریکا را مجبور به طرفداری از مستبدانی می‌کند که بر توده مردم حکومت می‌کنند، تحمل تناقضات هم حیاتی است نه فقط چون دولت منتخب دموکرات آمریکا در جستجوی راهی برای حفظ این مستبدان بر مسند حکومت است، بلکه چون مردم در خاورمیانه اعتقادات ایده‌آل آمریکایی را با آغوش باز می‌پذیرند- آزادی بیان، شفافیت در سرمایه‌گذاری، رهبرانی که مردم انتخابشان کنند و بتوانند به آنها تکیه کنند- با اینکه هم‌زمان از خود آمریکا فاصله می‌گیرند، و فرضیات

آمریکایی را مبنی بر معنای درست آزادی رد می‌کنند.

*کلینتون: اگر از نیروی بالقوه نیمی از جمعیت کشورتان استفاده نکنید، نمی‌توانید پیشرفت کنید

همان‌طور که در روز پیش از تظاهرات در حمایت از حجاب اتفاق افتاد، وقتی هیلاری کلینتون دیداری کوتاه از تونس کرد، تا انقلابشان را بستانید، با رهبرانی که در جریان انقلاب به قدرت رسیده‌اند دیدار کرد؛ و به سخنان شهروندان عادی گوش داد، که شامل بانوان هم می‌شد، که جایگاهشان در جهان یکی از نگرانی‌های او در دوره وزارتش به عنوان وزیر امور خارجه است. اولین پیشامدی که در این دیدار در میان عموم مردم رخ داد، در استودیوی تلویزیونی خارج از تونس بود، در مقابل مخاطبان اکثراً جوانش که از ظاهرشان برمی‌آمد که مسلمانانی سنت‌گرا باشند.

*تظاهرات برای حمایت از حجاب در تونس برای من ضربه‌ای تکان‌دهنده بود

مبارزات کلینتون برای دادن حق رأی به زنان، البته در تمام دنیا شناخته شده است، و حتی نخست‌وزیر ملت کوچکی که مدت کوتاهی به طرز نامناسبی در این جایگاه نشسته بود (خصوصاً کسی که به دنبال افزایش کمک مالی آمریکا بود) می‌دانست که می‌تواند بر انگیزه کلینتون با اهمیت قائل شدن برای احساسات عمیق فمینیست‌گرایش پیشی بگیرند. اما تجربه به درستی ثابت کرده است که در ارتباط با موضوع زنان، تونس در میان جهان عرب موردی استثنا است.

در قاهره، دیدن خانمی بی‌حجاب خیلی عجیب است ولی در تونس این امر عادی است. به همین دلیل است که تظاهرات برای حمایت از حجاب آن هم در تونس برای من ضربه‌ای تکان‌دهنده بود، و به همین دلیل هم وقتی کلینتون را چند هفته پیش در دفتر وزارت امور خارجه دیدم، این موضوع را مطرح کردم. او درباره این موضوع داشتن حجاب و موارد مربوط به آن خیلی منطقی برخورد کرد. فقط خاطرنشان کرد که نگرانی اصلی‌اش این است که قانون‌گذاران داشتن حجاب را اجباری کنند.

*بسیاری از زنان مسلمان از این که آمریکا از مسئله حجاب حمایت کند، راضی نیستند

ادعای این امر بخصوص در سخنرانی قاهره به مذاق برخی از فعالان حقوق زنان که با من صحبت کردند خوش نیامد، زانی که معتقد بودند که آمریکا نباید افراد را به داشتن حجاب ترغیب کند- چیزی که بسیاری از زنان مسلمان امیدوارند با رفتن به آمریکا بتوانند آن را کنار بگذارند.

*کلینتون: من مخالف این هستم که در برخی از کشورها قوانینی برای منع زنان از انجام برخی کارها دارند

گرچه وقتی کلینتون درباره حجاب با من صحبت می‌کرد، به روشنی گفت که هرگونه تلاشی در جهت تحت فشار قراردادن بانوان برای پوشاندنشان- هرآنچه که در "محدوده اجبار" باشد- از نظر او خط قرمز است: "وقتی مردم شروع به صحبت درباره مسائلی می‌کنند که خانم‌ها اجازه انجامش را نباید داشته باشند، و تنها راهی که از آن طریق بتوانیم مانع‌شان شویم قانون است، مثل قانون ممنوعیت رانندگی برای خانم‌ها در عربستان سعودی، یا نداشتن حق رأی... این خط قرمز است، و این یعنی تخطی از حقوق زنان. بنابراین من مخالف آن هستم. در هر جامعه‌ای در قرن بیست و یکم که به دنبال تجدد باشد، و مطمئناً [هر جامعه‌ای] که ادعای داشتن دموکراسی می‌کند، باید از حق انتخاب آنان در این زمینه حمایت کند.

*از نظر آمریکا گسترش حجاب نقطه آغاز صعود اسلام‌گرایان است

از قرار معلوم، این پیغام به صراحت نیروهای محافظه‌کار مذهبی را مورد خطاب قرار داد؛ وزیر امور خارجه به درستی می‌داند که گسترش حجاب همچون پله‌ای برای صعود اسلام‌گرایان سنتی است. سپس درباره برخاستن "اخوان المسلمین" پرسیدم، و احزابی که از ایدئولوژی مشابه به "اخوان" حمایت می‌کنند.

مثل وقتی که زمستان جایش را به بهار می‌دهد، روشن است که در مصر هم "اخوان" همچون وسیله‌ای برای درهم شکستن قدرت حاکم عمل کرد، موضوعی که بسیاری از مفسران غربی در روزهای ابتدایی شورش مصریان آن را دستکم گرفته بودند.

* "اخوان المسلمین" سازمانی جهانی است که معتقد به برتری و حاکمیت اسلام است

"اخوان المسلمین" سازمانی جهانی است که شاخه‌هایش مستقل از یکدیگرند، و برخی افراطی‌تر از دیگری هستند (مثلاً "حماس" در غزه، که شاخه‌ای از "اخوان المسلمین" است). عقاید مختلفی دارند، ولی کسانی که وابسته به اخوان هستند همگی به حاکمیت

قوانین مسلمین، و برتری اسلام اعتقاد دارند و بر این عقیده هستند که زنان و مردان باید نقش سنتی خود را در جامعه ایفا کنند. آن‌ها همچنین بر این باورند که غرب (اسرائیل که آن را پایگاه نظامی غرب در خاورمیانه می‌دانند) گرچه به صورت مخفیانه، به دنبال تضعیف شیوه زندگی آنهاست. تحلیل‌گران آمریکایی مدتی طولانی برای تحقیق و مطالعه درباره "اخوان المسلمین" چه در مصر و یا جاهای دیگر صرف کرده‌اند (شاخه اخوان اردن، جبهه پیکار اسلامی، قوی‌ترین نیروهای سیاسی مخالف کشور است)، و بحث‌هایی هم چه در محافل دولتی یا غیردولتی درباره دیدگاه‌های واقعی این سازمان خصوصاً در مصر بوده است. از وقتی که قیام اعراب آغاز شد، "اخوان المسلمین" نشانه‌هایی از ایجاد شکاف در خطوط ایدئولوژیکی را بروز داد، ولی رهبران‌شان ثابت کردند که در بازی سیاست مهارت دارند، خصوصاً در جنبه‌هایی از سیاست که در آن از بیان مسائل مشکل طفره می‌روند.

در گفتگویی که اخیراً با "محمد مرسی" یکی از رهبران بلندمرتبه اخوان، کردم، در آن با حالتی طنزگونه بحث بر سر دو سوال مهم را رد کرد: ممکن است که اخوان از ریاست جمهوری یک فرد مسیحی در مصر حمایت کنند؟ ممکن است از کاندیداتوری یک خانم حمایت کنند؟

*درباره عقاید "اخوان" هنوز اطلاعات کافی نداریم

از کلینتون پرسیدم که آیا نگران فراگیر شدن عقاید "اخوان" خصوصاً در مسائل مربوط به زنان عرب در خاورمیانه نیست؟ پاسخ داد: "خب، فکر می‌کنم هنوز اطلاعات کافی نداریم تا دقیقاً بفهمیم به چه چیزی تغییر شکل می‌دهند. از نظر من، هنوز برای تصمیم‌گیری زود است.

فکر می‌کنم که برخی از عناصر اسلامی که در مصر روی کار آمده حتی در ظاهر، مانع دموکراسی هستند، یا آزادی بیان، آزادی برای تجمع، آزادی وجدان که خواست مردم در میدان تحریر بود - مثل این که دارند از زندان‌ها فرار می‌کنند، گویی از تاریکی به روشنی آمده تازه دارند دیده می‌شوند.

*با انتقادهای شدیدالحن از آمریکا، "اخوان المسلمین" می‌تواند حمایت عده‌ای را جلب کند

این پاسخ دقیقاً همان جواب منطقی است که از کسی مثل کلینتون انتظار می‌رود. ولی در این دوران تغییرات، شانس موجبی وجود دارد- گرچه خیلی هم شانس بزرگی نیست، ولی منطقی است- که "اخوان المسلمین" از هم پاشیده و گروه‌گروه شود، یا شاید متوجه شود که مجبور است به سختی با احزابی با افکار سکولارتر رقابت کند، تشخیص کلینتون و اواما این است که "اخوان" می‌تواند انتقادهای شدید علیه آمریکا را به صورت مزیتی برای مبارزاتش دربیآورد، خصوصاً در میان روستاییان، کم‌سوادان، و رأی‌دهندگان سنت‌گرا.

*آمریکا: دشمنی ما با "اخوان المسلمین" هیچ ضرری به آن‌ها نمی‌رساند بلکه کمکی به آن‌هاست

در چند ماه گذشته، مقامات دولت اواما بیشتر درباره برقراری خط قرمز جهانی صحبت کرده‌اند (اواما احزابی را که به عنوان مثال طرفدار خشونت هستند، تقبیح می‌کند) و همین‌طور کمک به تمام احزاب در روند رسیدن به دموکراسی، و به فکر خطرات ایدئولوژیکی که قیام احزاب اسلام‌گرا به همراه دارند نبوده‌اند.

"بنجامین جی رودز"، معاون مشاور امنیت ملی به من گفت: "به نفع ماست که در این تغییرات مطمئن شویم که مجموعه‌ای از احزاب گوناگون و فراگیر قادر به سازماندهی و مدیریت گروه‌های مبارز توانا هستند."

همچنین اضافه کرد که دولت اواما نمی‌خواهد نگران قیام احزاب مسلمان باشد البته تا وقتی که تأثیری بر سیاست‌هایش ندارد. دیدگاه رئیس‌جمهور این است که نباید بابت تغییر ترس به دلمان راه دهیم، خصوصاً این که تغییر در حال رخ دادن است.

وی در ادامه گفت: "این سپردن خود به قضا و قدر نیست. باید قدمی به عقب برداریم تا اذعان کنیم که مردم همان حقوقی را می‌خواهند که ما به آنها اعتقاد داریم و این خوب است. جنبش‌های دموکراتیک بومی همان‌هایی هستند که آمریکا می‌خواهد، حتی اگر چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی کوتاه‌مدتی به وجود آورند." یکی دیگر از مقامات دولتی که نخواست نامش فاش شود، این موضوع را صریح‌تر بیان کرده گفت: "آیا فکر نمی‌کنید اگر ما اعلام دشمنی با "اخوان المسلمین" کنیم، هیچ چیزی عایدان نخواهد شد جز اینکه به آنها کمک کرده‌ایم؟"

*رژیم پادشاهی اردن به شیوه مورد حمایت آمریکا اداره می‌شود

رژیم پادشاهی اردن از همان نوع حکومت‌هایی است که آمریکا همیشه از آنها دفاع کرده است. سخت‌ترین حکومت برای حمایت در خاورمیانه نیست- در اولین مراحل شورش اعراب، خانواده سلطنتی "براهین"، درگیر سرکوبی خشونت‌هایی بودند که اکثریت شیعه ایجاد کردند، این امر کوچک‌ترین مشکل رژیم پادشاهی به شیوه آمریکایی است- ولی اردن را هنوز هم به شیوه‌ای ناهماهنگ با حال‌وهوای میدان تحریر اداره می‌کنند، حال‌وهوایی که وقتی رئیس‌جمهور اواما و وزیرش کلینتون درباره دموکراسی خواست اعراب صحبت می‌کنند، به مذاقشان خوش می‌آید.

*در قاهره بسیاری بر این باورند که کلینتون آشکارا نقش پرستار مبارک را به عهده دارد

همان‌طور که انتظار می‌رود، هیلاری کلینتون خیلی به اتهاماتی که دولت برای حفظ مبارزات تفرقه‌برانگیز با آن‌ها درگیر است فکر نمی‌کند. همان‌طور که شخص اول دولت درمورد مسائل زیادی خشم خاورمیانه را برانگیخته است، او به طرز چشمگیری متوجه راه‌های زیادی شده است. در قاهره، بسیاری از فعالان دموکراسی بر این باورند که او آشکارا از مبارک پرستاری کرده، حمایتش می‌کند؛ همزمان هدف اعمال نفوذ مبارزات شدید رهبران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس است که بر طبق گفتگویی که با سفرا و وزرای امور خارجه انجام دادم، می‌ترسند که به نوعی تبلیغ برای محافظه‌کاری نوگرایانه بپردازد. یکی از مقامات خلیج که با او صحبت می‌کردم مجدانه از من پرسید که آیا "پل ولفوویتز" نظریه‌پرداز و رهبر محافظه‌کاری نوگرایانه در دوران پیشین ریاست‌جمهوری مشاور اوست. به کلینتون اظهار داشتم که در برخی محافل او را به چشم "ولفوویتز" دارای چشمان وحشی می‌بینند. او گفت: "نه! این یکی دیگر نه! مرا چشم وحشی بنامند ولی "ولفوویتز" نه!"

*آمریکا از طرفی از ایجاد دموکراسی در برخی کشورها حمایت می‌کند و از طرف دیگر از حاکمان نالایق دیگر کشورها طرفداری می‌کند

وقتی از او پرسیدم که چگونه این ناهماهنگی‌ها را تطبیق می‌دهد- فعالیت برای ایجاد دموکراسی در برخی کشورها و در عین حال نگهداشتن حاکمان نالایق بر تخت سلطنت در دیگر کشورها- کلاً وجود چنین موضوعی را رد کرد. اظهار داشت: "اصلاً این فرضیه را قبول ندارم. فکر می‌کنم که ما همگی به یک سری ارزش‌ها و اصول پایبند هستیم، همین. ما بر این باوریم که کشورها باید به مردمشان اختیار بدهند. معتقدیم که مردم تمام جهان باید از حقوق خاصی برخوردار باشند. باور داریم که نظام اقتصادی مطمئنی که برای اکثریت وسیع مردم بهتر جواب دهد بر دیگر نظام‌ها برتری دارد. فکر می‌کنم که خیلی هم هماهنگ هستیم."

*آمریکا پیشنهادات زیادی به مبارک داد که او همه را نادیده گرفت

کلینتون گفت: "آمریکا باید به حاکمان کمک کند تا از ناآرامی‌هایی که به زودی در محدوده پادشاهی‌شان رخ می‌دهد جان سالم به در ببرند حتی اگر آن‌ها توجیهی به اندرزهای آمریکا نکنند." و واقعاً بر روی حرفش ماند (همان‌طور که اسناد واقعاً نشان می‌دهند) که پیشنهادهای زیادی به حسنی مبارک دادند که تمام‌شان را نادیده گرفت- دولت باقی خواهد ماند با این که او این را ناهماهنگی نمی‌داند.

*ما با تمام کشورها فارغ از اختلافاتمان در نظام اقتصادی یا سیاسی رابطه داریم

کلینتون گفت: "ما در دنیایی واقعی زندگی می‌کنیم، کشورهای زیادی هستند که با آن‌ها رابطه داریم زیرا منافع مشترکی داریم، همچنین مسائل امنیتی خاصی هست که هر دو به دنبالشان هستیم. واضح است که در خاورمیانه، ایران چالش بزرگی برای همه ما محسوب می‌شود. ما با کشورهای زیادی که نظام اقتصادی یا سیاسی‌شان مشابه ما نیست روابط تجاری داریم. همه را به صورت یکدست می‌انگاریم. و چه به صورت خصوصی و چه در ملاءعام به انجام اصلاحات و حمایت از حقوق بشر تشویق می‌کنیم. ولی ما از تجارت با چین دست نمی‌کشیم آن هم به این دلیل که سابقه خوبی در حقوق بشر ندارد. با عربستان سعودی هم همین‌طور. "اظهار داشتم که چینی‌ها از این که نیروهایشان تحت تأثیر خودکشی فروشنده تونسی قرار بگیرند و این موضوع به میدان "تیان ان من" هم برسد می‌ترسند. در پاسخ گفت: "نگران هستند. می‌خواهند جلوی تاریخ را بگیرند، که یعنی پی نخود سیاه رفتن. نمی‌توانند این کار را انجام دهند، ولی تا آنجا که می‌توانند آن را به تأخیر می‌اندازند."

*برای مردمی که فقط دیکتاتوری را می‌شناسند، دموکراسی لقمه بزرگی است

اگر این موضوع درست باشد، که به قول "مارتین لوتر کینگ" شخصیت مورد علاقه اوباما، گردش اخلاقیات در جهان به طول می‌انجامد، ولی به سویی عدالت پیش می‌رود؛ همین‌طور این امر که تاریخ دیر یا زود به چنگ می‌آورد حزب کمونیست چین را خواهد کرد، پس چرا این امر هم صحت ندارد که تاریخ به زودی مجموعه‌ای از پادشاهان مستبد ازکار افتاده را گرفتار خواهد کرد؟ پاسخم را به صورت غیرمستقیم وقتی گرفتم که از کلینتون پرسیدم که آیا از ناپدید شدن رژیم بشاراسد غمگین می‌شود یا نه. همین چند وقت پیش بود که از کلینتون به دلیل پیشنهادش به اسد برای تبدیل به اصلاح‌طلب شدن انتقاد شد؛ بااینکه خودش اذعان داشت که اسد در بسیاری مسائل مهم مخالف آمریکاست (نه فقط در خدماتش به ایران). او گفت: "بستگی دارد به اینکه چه کسی جایی او را بگیرد. "پاسخش ترکیبی از عدم احترام برای اسد و درک سیاسی بالایش بود که بر اساس آن اتفاقاتی درحال وقوع است، علی‌رغم قول‌شان به اعراب برای روی کار ماندن، زیرا خطرات بالقوه‌ای برای منافع آمریکا نسبت به برخی دیکتاتورها دارند. این برای مردمی که فقط دیکتاتوری را می‌شناسند و اکنون تشنه دموکراسی هستند، لقمه بزرگی است."

*اصل کليدي در دولت اوباما پيدا کردن زماني است که بايد از رهبران موردتنفرش حمايت کند

ايجاد اين توازن-درک اين که چه زماني آمريکا بايد فقط از رهبراني حمايت کند که مورد تنفرش هستند- اصل کليدي چالش سياست خارجي دولت اوباما و شايد جانشينان او در سالهاي آينده است. فقط مديريت خانواده سلطنتي دور از تجدد عربستان سعودي کاري شاق است. ولي اگر آمريکا مسئوليت اصلياش را که نسبت به مردمی است که زير يوغ ظالمان زندگي ميکنند فراموش کند قطعاً شکست ميخورد، مردمی که خواستار آزادي اي هستند که آمريکايي ها از آن برخوردارند.